

تا ماه اوت

گابریل گارسیا مارکز

فرزام حبیبی اصفهانی

www.ketab.ir

این کتاب برگردانی از:

THE LOST NOVEL

Until August

سرشناسه	: گارسيا مارکز، گابریل، ۱۹۲۷ - ۲۰۱۴ م.
عنوان و نام پدیدآور	: Garcia Marquez, Gabriel
مشخصات نشر	: نا ماه اوت؛ گابریل گارسيا مارکز؛ مترجم؛ فرزاد حبیبی اصفهانی.
مشخصات ظاهری	: تهران: آریابان.
شابک	: ۸۵ - ۷ - ۷۱۹۶ - ۹۶۴ - ۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	: فنیبا
یادداشت	: عنوان اصلی: Until August, 2024
موضوع	: داستان های کلمبیایی - قرن ۲۰ م.
شناسه افزوده	: Colombian fiction - 20th century
رده بندی کنگره	: حبیبی اصفهانی، فرزاد، ۱۳۳۲ - مترجم PQ ۸۱۸۰۰۲۸ :
رده بندی دیویی	: ۸۶۳، ۶۴ :
شماره کتابشماره ملی	: ۹۵۸۸۳۸۰ :



انتشارات آریابان

تا ماه اوت

گابریل گارسيا مارکز

فرزاد حبیبی اصفهانی

امور هنری: آریابان گرافیک

شابک: ۷ - ۸۵ - ۷۱۹۶ - ۹۶۴ - ۹۷۸

چاپ: اول تابستان ۱۴۰۳ تیراژ: ۵۰۰ نسخه

تهران - خیابان انقلاب - خیابان اردیبهشت - بن بست مبین - شماره ۸

تلفن: ۶۶۴۹۶۲۸۴ - ۶۶۴۱۳۰۳۱

نمابر: ۶۶۴۹۶۲۸۵

www.aryaban.org



قیمت کتاب

در مورد نویسنده

گابریل گارسیا مارکز در سال ۱۹۷۲ در آراکاتا، کلمبیا به دنیا آمد. او در دانشگاه ملی کلمبیا در بوگوتا تحصیل کرد و سپس به عنوان یک خبرنگار در نشریه‌ای کلمبیایی به نام «ال اسپکتادور» مشغول کار شد. حرفه‌ی بعدی او در رم، بارسلونا، پاریس، کاراکاس و نیویورک، خبرنگاری بود. از او چندین رمان و مجموعه داستان از جمله «گردها بر گ» (۱۹۵۵)، «کسی به سرهنگ نامه نمی‌نویسد» (۱۹۵۸)، «ساعت شوم» (۱۹۶۲)، «صد سال تنهایی» (۱۹۶۷)، «پاییز پدر سالار» (۱۹۷۵)، «عشق سال‌های وبا» (۱۹۸۵)، «ژنرال در هزار توی خویش» (۱۹۸۹)، «عشق و سایر اهریمنان» (۱۹۹۴) و... نام برد. مارکز در سال ۱۹۸۲ برنده‌ی جایزه‌ی نوبل ادبیات شد.

از وی همواره به عنوان یکی از برجسته‌ترین نویسندگان قرن بیستم نام برده می‌شود.

مارکز در ۲۰۱۴ درگذشت.

پیش‌گفتار

خاطره‌ی از دست دادن پدرمان و دردی که در سال‌های آخر زندگی‌اش متحمل شد، همان‌طور که لابد اکثر مردم به راحتی می‌توانند تصور کنند، برای‌مان بسیار سخت بود. اما به طور خاص، آن‌چه که او را بیش از همه می‌آزرد، از دست دادن لذت نوشتن بود که منبع ناامیدی شدیدی برای او به شمار می‌آمد. او یک بار شیوه‌ای که ویژه‌ی نویسنده‌ی بزرگی همچون او بود، به ما گفت: «حافظه هم منبع و ابزار است و بدون آن، عملاً هیچ وسیله‌ای برای وجود ندارد.»

«تا ماه اوت» ثمره‌ی آخرین تلاش او برای ادامه‌ی حلق یک داستان در برابر همه‌ی فرصت‌ها و روند یک مسابقه بین کمال‌گرایی هنری و قوای ذهنی در حال محو شدن او بود. سابقه و ادامه‌ی این داستان بسیار بهتر از آن‌چه که از دست ما برمی‌آمد توسط دوستان‌مان کریستوبال پرا در یادداشت ویرایشگر^۱ شرح داده شده است. در آن زمان تنها چیزی که می‌دانستیم، قضاوت نهایی گابو بود: «این کتاب ارزشی ندارد، باید از بین برود.»

ما آن را از بین نبردیم، بلکه کنار گذاشتیم. به این امید که زمان تصمیم

بگیرد با آنچه کنیم. با خواندن دوباره‌ی آن پس از گذشت تقریباً ده سال بعد از مرگ او، دریافتیم که متن آن حاوی دستاوردهای شگفت‌انگیز بسیاری است که ابتدا نمی‌توان این کتاب را به اندازه‌ی بزرگترین آثار او صیقل خورده دانست و با آن که چند ناهماهنگی و تضاد در آن دیده می‌شود، اما هیچ چیز مانع از لذت بردن از برجسته‌ترین جنبه‌های کار گابو: ظرفیت او برای نوآوری، استفاده از زبانی شاعرانه، داستان‌سرایی گیرا، درک او از نوع بشر و علاقه‌اش به تجربیات ماجرای ناگوار و ناخوشایند نیست، به ویژه آن‌گاه که صحبت از عشق باشد؛ عشق که بدون تردید موضوع اصلی تمام آثار اوست.

با قضاوت این که این کتاب بسیار بهتر از آن چیزی است که ما به خاطر می‌آوریم، احتمال دیگری پیش روی ما قرار گرفت: این که توانایی‌های محو شده‌ای که او را از به پایان رساندن این کتاب باز داشت، همچنین او را از درک خوب بودن این کتاب باز می‌داشت. در نتیجه ما در اقدامی خیانت‌آمیز تصمیم گرفتیم که لذت خوانندگان و آثار او را مقدم بر همه‌ی ملاحظات دیگر قرار دهیم، که اگر آن‌ها خوشحال باشند، ممکن است گابو ما را ببخشد.

رودریگو و گونزالا گارسیا مارکز